

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشکده ادبیات و علوم انسانی

مرکز تحصیلات تکمیلی

رساله

برای دریافت مدرک دکتری تخصصی (Ph.D.)

رشته تاریخ ایران دوره اسلامی

گروه تاریخ

تصحیح تطبیقی نسخه خطی تکملة الاخبار از ابتدای ملوک عجم تا

ابتدای دوره صفوی

مهدی فیضی سخا

استاد راهنما:

دکتر محمد رضا نصیری

استاد مشاور اول:

دکتر هوشنگ خسرو بیگی

استاد مشاور دوم:

دکتر توفیق هاشم پور سبحانی

بهمن ماه ۱۳۹۲



دانشگاه پیام نور

بسمه تعالی

صور تجلسه دفاع از رساله دکتری تخصصی (Ph.D.)

جلسه دفاع از رساله دکتری تخصصی آقای مهدی فیضی سخا

دانشجوی رشته تاریخ ایران دوره اسلامی به شماره دانشجویی ۸۷۰۰۶۶۱۷۱

تحت عنوان « تصحیح تطبیقی تکمله الاخبار از ابتدای ملوک عجم تا ابتدای دوره صفوی »

با حضور هیات داوران در روز مورخ ساعت در محل ساختمان برگزار شد و هیات داوران پس

از بررسی، رساله مذکور را شایسته نمره به عدد..... به حروف..... با درجه..... تشخیص داد.

ردیف	نام و نام خانوادگی	هیأت داوران	مرتبه دانشگاهی	دانشگاه/موسسه	امضاء
۱	دکتر محمد رضا نصیری	استاد راهنما	دانشیار	دانشگاه پیام نور	
۲	دکتر هوشنگ خسرو بیگی	استاد مشاور اول	دانشیار	دانشگاه پیام نور	
۳	دکتر توفیق هاشم پور سبحانی	استاد مشاور دوم	دانشیار		
۴		استاد داور داخلی			
۵		استاد داور خارجی			
۶		نماینده تحصیلات تکمیلی			

اینجانب مهدی فیضی سخا دانشجوی ورودی سال ۱۳۸۷ مقطع دکتری تخصصی رشته تاریخ ایران دوره اسلامی گواهی می نمایم چنانچه در رساله خود از فکر، ایده و نوشته دیگری بهره گرفته ام با نقل قول مستقیم یا غیرمستقیم منبع و ماخذ آن را نیز در جای مناسب ذکر کرده ام. بدیهی است مسئولیت تمام مطالبی که نقل قول دیگران نباشد برعهده خویش می دانم و جوابگوی آن خواهم بود.

نام و نام خانوادگی دانشجو

تاریخ و امضاء

اینجانب مهدی فیضی سخا دانشجوی ورودی سال ۱۳۸۷ مقطع دکتری تخصصی رشته تاریخ گواهی می نمایم چنانچه براساس مطالب رساله خود اقدام به انتشار مقاله، کتاب و... نمایم، ضمن مطلع نمودن استاد راهنما، با نظر ایشان نسبت به نشر مقاله کتاب و... و به صورت مشترک با ذکر نام استاد راهنما مبادرت نمایم.

نام و نام خانوادگی دانشجو

تاریخ و امضاء

کلیه حقوق مادی مترتب از نتایج مطالعات، آزمایشات و نوآوری ناشی از موضوع تحقیق این رساله متعلق

به دانشگاه پیام نور می باشد. ماه و سال

برای پدرم، همسرم و روح پرفتوح مادرم

به نام او که اول بی ابتداست،

سپاس و ستایش از آن کسی است که در رساله منورالاوراق خویش بشارت داده است، آنان که می دانند با آنان که نمی دانند هم قدر نخواهند بود.

مسروم که به عنایت او دریچه ای و روزنی به باغ جهان گشای دانایی یافتم و شمیم گلستان دانش و آموختن، باغ دلم را خرم به عطش خواستن نمود.

امروز سر تعظیم برآستان آنان خواهم سود، که تا ابدیت، خود را مرهون بودن بی بدیل و مهر تابان آنانم که اگر طربی است، اعجاز خوش دستی ساقیان عشق است.

پدرم، روح بزرگواریت حجم عظیم عاطفه است برای همیشه کسی که وامدار دست های توست برای بودن و بالیدن، نگرستن به تو، خاطره سترگ الوندست و پایدگیت آرزوی همیشه کودک تو.

مادرم، عاشقانه ترین ترانه هستی، باران مهر، رب النوع مهربانی و فرشته ای که دلم برای عطر بالهای پر بهارش حسرت تمام زمان را خواهد کشید و هجرانش عذاب مدام لحظه های بی کسی است.

همسرم، تو تبلور عشق در کالبد آدمی، امانت دار لحظه های بی تابیی و ترس من، حس بی نظیر و جاری تقدس مادرانه، برای فرشته های کوچک خانه ام، هر چهار دیواری با تو امن ترین حریم جهان است.

استاد گرانقدرم جناب آقای دکتر نصیری،

گنج دانش و طلب، کسی که آموخته هایم وامدار صبوری و صداقت و دانش اویند، راهنمایی که سختی و دوری راه، با او حلاوت بود و شوق.

اساتید مشاور بزرگوایم آقایان دکتر خسرو بیگی و دکتر هاشم پور سبحانی،

که شمع راهم بودند و خزانه علمشان برایم همیشه بی دریغ بود.

دوستان هم دل و همراهم، آقایان مهندس محمد محمدی و کامبیز فرهادصفت و خواهر گرانقدرم سرکار خانم موسوی که حق رفاقت و شفقت به کمال بر آوردند و یاریشان نوید آرزوهای تازه بود.

پروردگارا، به شأن اصحاب دانش مفتخرم ساخته ای، به کسوت اهل عمل مزینم نما و چنانم دار که خودخواهی.

فهرست

صفحه

عنوان

۱	۱- فصل اول
۱	۱-۱- مقدمه
۲	۲-۱- تاریخ نگاری عمومی
۳	۳-۱- تاریخ نگاری عمومی در عصر صفوی
۵	۴-۱- تاریخ نگاری عبدی بیک شیرازی
۱۶	۴-۱-۱- منابع تکمله الاخبار
۱۷	۴-۱-۲- روش تصحیح
۲۰	۲- فصل دوم
۲۰	۲-۱- آغاز کتاب
۲۸	۲-۲- ذکر سلاطین ممالک عجم
۲۸	۳-۲- بقیه طبقه صفار
۳۰	۴-۲- بقیه طبقه سامانیه
۳۳	۵-۲- ملحقه در شرح بنی الیاس
۳۵	۶-۲- ذکر سلاطین آل بویه رحمه الله
۴۵	۷-۲- در ذکر جماعت کاکویه
۴۹	۸-۲- ذکر سلاطین غزنویه
۵۵	۹-۲- حکایت آل فریغون
۵۶	۱۰-۲- ذکر طبقه سلجوقیان و اتباع ایشان

فهرست

صفحه

عنوان

۸۰	۱۱-۲- ذیل در احوال ملوک متفرقه کرمان
۸۱	۱۲-۲- فروع سلجوقیان
۹۳	۱۳-۲- اتابکان فارس
۹۵	۱۴-۲- ملوک شبانکاره
۹۸	۱۵-۲- ذکر بقیه ملوک غور از آل شنسب
۱۰۰	۱۶-۲- در ذکر ملوک غور و غزنین و خراسان
۱۰۳	۱۷-۲- از ذکر ملوک بامیان
۱۱۲	۱۸-۲- سلاطین خلیج
۱۱۶	۱۹-۲- ذکر سلاطین خوارزمشاهیه
۱۲۴	۲۰-۲- ملوک قراخطایی
۱۲۷	۲۱-۲- ایوبیان
۱۳۲	۲۲-۲- اسماعیلیه
۱۳۷	۲۳-۲- به اوندیان
۱۴۲	۲۴-۲- ملوک گاوباره
۱۴۴	۲۵-۲- اکراد
۱۴۸	۲۶-۲- الوار

فهرست

صفحه

عنوان

۱۵۹	۲-۲۸- قراخطاییان
۱۶۱	فصل سوم
۱۶۱	۳-۱- صحیفه ثانیه در ذکر سلاطین عالم بعد از انقراض بنی عباس
۱۶۲	۳-۲- ایلخانان
۱۷۹	۳-۳- ایلکانیان
۱۸۵	۳-۴- چوپانیان
۱۸۸	۳-۵- آل اینجو
۱۹۰	۳-۶- آل مظفر
۱۹۸	۳-۷- سربداران
۲۰۴	۳-۸- طغاتیموریان
۲۰۶	۳-۹- آل کرت
۲۱۲	۳-۱۰- بقیه قراخطاییان کرمان
۲۱۳	۳-۱۱- ذکر تتمه آل ایبک
۲۱۸	۳-۱۲- ذکر سلاطین عثمانی روم
۲۲۷	۳-۱۳- ذکر حکام قرامان
۲۲۹	۳-۱۴- ذکر بقیه الوار

فهرست

صفحه

عنوان

۲۳۵	۱۶-۳- ذکر سلاطین گیلان
۲۳۹	۱۷-۳- تتمه ملوک گاوباره رستم‌دار
۲۴۲	۱۸-۳- ذکر سلاطین و حکام مازندران
۲۴۷	۱۹-۳- ذکر طایفه چلاوی
۲۴۹	۲۰-۳- ذکر حکام مملکت لار
۲۵۱	۲۱-۳- ذکر ولات جرون
۲۵۳	۲۲-۳- ذکر سلطنت جغتای
۲۵۹	۲۳-۳- ذکر سلاطین گورکانیه
۲۸۸	۲۴-۳- ذکر سلاطین ترکمان
۲۹۶	۲۵-۳- در احوال آق قویونلو
۳۱۸	تعلیقات
۴۳۹	واژه نامه
۴۴۸	فهرست آیات
۴۵۰	اشعار و ابیات
۴۶۰	اشخاص و افراد
۵۵۹	مکانها

۵۹۳

مشاغل

فهرست

صفحه

عنوان

۵۹۵

کتابها

۵۹۸

ایل - خاندان

۶۱۳

سالها

۶۱۵

بیماری ها

۶۱۶

منابع و مآخذ

۱- فصل اول:

۱-۱- مقدمه:

تاریخ نویسی صفوی در چند مرحله اساسی پدیدار شده و تکامل یافته است، اولین مرحله آن را می توان بر اساس سنتهای قبل از دوره صفوی دانست، به نحوی که تجربه تاریخ نویسی این دوره، زمینه لازم برای تالیف متون تاریخی دوره های بعد در این عصر، را فراهم آورد.

پیش از صفویان و در آستانه روی کار آمدن ایشان، دو مکتب عمده تاریخ نگاری در ایران شکوفا گردیده بود، در شرق ایران، تیموریان، حامی و پشتیبان جدی تاریخ نویسی و مشوق اصلی تالیف متون تاریخی بودند، و در غرب ایران نیز این روند با حمایت های آق قویونلوها میسر شده بود، در حقیقت هرات و تبریز، دو کانون عمده تاریخ نویسی ایرانی در این برهه به شمار می رفتند، و هنگامی که صفویان به قدرت رسیدند، مجموعه این تجارب را اخذ کرده و دگرگونی هایی را در

آن ایجاد نمودند، در این ارتباط می توان این نظر را مطرح نمود که چون فرهیختگان و اندیشمندان صفوی، به منظور ارائه اندیشه های خود در حوزه های مختلف، خودکفایی لازم را دارا نبودند، لاجرم، از استفاده از نمونه و الگوهای مورد نیاز خود بودند، که در این میان ایشان به بهره برداری از الگوی تیموریان در تاریخ نگاری اقدام نمودند، همانگونه که می دانیم این الگو برداری و تقلید را، اندیشمندان حوزه علوم دینی نیز با دعوت از علمای شیعه مذهب مناطقی نظیر جبل عامل و بحرین انجام داده اند.

۱-۲- تاریخ نگاری عمومی:

در حقیقت روی کار آمدن صفویان با هویتی دینی، که پس از مدتها حکومتی ملی در ایران بوجود آوردند، زمینه بروز تحولاتی بنیادی در حوزه های مختلف زندگی انسان ایرانی را فراهم کرد، به گونه ای که کمتر حوزه ای را می توان ملاحظه نمود که از این تحولات تاثیر نپذیرفته باشد، بویژه در بحث تاریخ نگاری، تاریخ نگاران این دوره به سبب رسمیت یابی مذهب تشیع، رویکردی جدید را مبنای کار خویش قرار دادند.

در واقع تاریخ نگاری، آن عنصر مفهومی و ذهنی است، که در هر دوره، متناسب با نیازها، خودش را باز تولید می کند تا بتواند با واقعیت زمان خود کنار بیاید، بر همین اساس، وضع روانشناختی، جامعه شناختی، مبانی کلامی و الهیاتی هر تاریخ نگار، بر چگونگی تاریخ نگاری او اثر گذاشته و در نوشته های وی، بازتاب پیدا می کند، بنابراین، مورخان متعدد، در زمانهای مختلف، تحت تاثیر فضای اجتماعی خویش، به مسائل نگاه می کنند، به گونه ای که فضای تحولات و بستر اجتماعی

ای که مورخ در آن قرار گرفته، بر نوع پردازش اطلاعات و بررسی تاریخی وی، اثر می گذارد. ۱ از این روی و با توجه به این مسائل، عناصر اثرگذار بر تاریخ نگاری عصر صفوی، سبب شکل گیری فضای خاص و متمایز برای مورخین، به منظور مطرح نمودن مباحث تاریخی در این دوره شده، زیرا که ظهور تفکر نوین در هر جامعه و در هر برهه ای از زمان، به تناسب عمق و بینش آن اندیشه، تبعات بسیاری در زمینه های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی آن جامعه، بر جا می گذارد.

۱-۳- تاریخ نگاری عمومی در عصر صفوی:

اگرچه تاریخ نویسی رویداد نگارانه ایران عصر صفوی، ادامه رشته دراز و ریشه دار تاریخ نگاری ایرانی پیش از صفویان به حساب می آید، ولی همانگونه که ذکر شد، به دلیل ویژگی های خاص مذهبی این دوران، درک هستی شناسانه، افق و چشم انداز مورخ، نسبت به دوره های پیشین، در مواردی متفاوت بود، به گونه ای که تحت تاثیر عوامل فوق، گونه نوینی از رویکرد به زمان و فنون نگارش تاریخ بوجود آمد، بدین ترتیب که، علی رغم ادامه استفاده و تقلید از روشهای تاریخ نگاری دوره های پیشین، بخصوص مکتب تاریخ نگاری عصر تیموری و تقلید تاریخ نگاران این دوره از آن، غلبه اندیشه های شیعیانه بر تفکر تاریخی مورخان، سبب ساز نضج گرفتن ماهیتی نوین در این عرصه گردید، تا جایی که شیعی نگری تاریخ نویسان، حتی در تقسیم بندی جدید دوره های تاریخی، خودنمایی کرده و دوره های تاریخی بعد از اسلام را، به عصر ماقبل و مابعد غیبت امام زمان(عج) مجزا نموده، و نیز به گونه ای افراطی بسیاری از آثار تاریخ نگاری این عصر،

۱- حضرتی، حسن، (۱۳۸۱) تاملاتی در علم تاریخ و تاریخ نگاری اسلامی، تهران، نقش جهان، صص ۱۵۴-۱۵۳

با رویکردهای محلی، سلسله ای و عمومی نگاری، توجه اکید بر سیادت صفویان و انتساب آنها به سلسله سادات و در نهایت به امامان معصوم و مشخصاً امام موسی کاظم (ع)، و ارائه شجرنامه ایشان، در تاکید این انتساب، از وجوه بارز تغییر رویکرد تفکر تاریخی مورخان این دوره است، هرچند برخی تحقیقات جدید در درستی این انتساب و نسب نامه تردید، و با ارائه شواهد، مدارک و استدلالات، بر ساختگی بودن این مدعا، تاکید داشته اند.^۱

به نظر می رسد، با توجه به تحولات بوجود آمده در دوره صفوی، یعنی آمیخته شدن دین، دولت، مذهب و سیاست می باشد، که به منظور توجیه مشروعیت پادشاهی ایشان، بسیاری از خدمتگزاران و دوستان صفویان، به نوشتن آثاری در حوزه های مختلف اقدام نمودند، که بخصوص در زمینه تاریخ نگاری و بازتاب این مشروعیت در آثار این حوزه، مورخین این دوره، سنگ تمام گذاشته، و مطالب و نوشته های خود را بر این اساس و به گونه ای خاص پایه گذاری نمودند، به عبارت دیگر مبانی ایدئولوژیکی صفویه خمیرمایه اصلی تاریخ نگاری این دوره را تشکیل می داد، و منابع تالیف شده در این دوره بیشتر صبغه دینی و الهیاتی پیدا کرده، و عناصر دیگر مورد توجه، از جمله مسائل اجتماعی، تحت تاثیر ایدئولوژی قرار گرفته است، در واقع حضور چشمگیر عناصر مفهومی، در تاریخ نگاری این عصر، بر بنیاد تشیع اثنی عشری است،^۲ و بسیاری از این ویژگی ها را می توان در حبیب السیر، لب التواریخ، جهان گشای خاقان، تاریخ جهان آرا و تکمله الاخبار ملاحظه

۱- کسروی، احمد، (۲۵۳۵)، شیخ صفی و تبارش، نشر جار، ص ۵۵، سومر، فاروق، نقش ترکان آناتولی در تشکیل و توسعه دولت صفوی، ترجمه دکتر احسان اشراقی/دکتر تقی امامی، تهران: نشر گستره، صص ۷-۸، مزاولی، میشل، پیدایش دولت صفوی، ترجمه یعقوب آژند، تهران: نشر گستره، ص ۱۲۲

۲- صفت گل، منصور، (۱۳۸۳) ساختار نهاد و اندیشه دینی در ایران عصر صفوی، تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا،

نمود،^۱ که به عنوان تواریخ متقدم عصر صفوی، اغلب پایه و اساس تدوین و تالیف دیگر تواریخ این عصر بوده و مورخان متاخر، بهره های زیادی از این آثار برده اند.

به نظر می رسد، هدف مهمی که مورخان عمومی نگار عصر صفوی، به دنبال محقق ساختن آن بودند، این است که آنها در پی تبیین جایگاه تاریخی صفویان در تداوم تاریخ ایران و اسلام و ایجاد جایگاهی شایسته و ریشه دار در تاریخ برای آنها بوده اند، و این نکته یکی از دلایل اصلی توجه به این رویکرد از تاریخ نگاری، یعنی عمومی نگاری می باشد، زیرا که تعداد تاریخ نگاری های عمومی در این برهه از حکومت صفویان، نسبت به دو رویکرد دیگر، بیشتر می باشد، همچنین از دیگر دلایل این ازدیاد را، می توان اثر گذاری سنت عمومی نگاری عهد تیموری، بر تاریخ نگاری ابتدای عصر صفوی، با نمایندگانی نظیر خواندمیر و میرخواند، دانست. در مجموع چشمگیرترین ویژگی این تاریخ نویسی، تداوم الگوها و قواعد قبل از دوره صفوی از سویی و شکل گیری ساختار ویژه اندیشه و فن تاریخ نویسی صفوی از جهت دیگر می باشد.

۱-۴- تاریخ نگاری عبدی بیک شیرازی:

خواجه زین العابدین علی بن عبدالمومن شیرازی، مشهور به عبدی بیک شیرازی، در سال ۹۲۱ هجری قمری به دنیا آمده، و در سال ۹۳۷، یعنی در حدود شانزده سالگی، در زمره ارباب سیاق و حسابدار، در دفترخانه همایون دربار پادشاهی صفوی، مشغول به کار شده است. وی دیر زمانی در خدمت دومین پادشاه صفوی، شاه طهماسب اول، به سر برده، و در برخی سفرها او را همراهی نموده است، ولی در سال ۹۷۴ ق، مورد غضب واقع شده، از مناصب دیوانی برکنار و

۱- آرام، محمداقبر، اندیشه تاریخ نگاری عصر صفوی، تهران: چاپ سپهر، ص ۱۹۳

در بقعه شیخ صفی الدین اردبیلی، در اردیلبل معتکف گردید، و در همانجا در سال ۹۸۸ هجری قمری وفات یافت.

در همین دوره تبعید و اعتکاف اجباری بود که عبدی بیک، به تالیف تکمله الاخبار اقدام نموده و تاریخ روزگار خود را تا سال ۹۷۹ هجری قمری، در آن ذکر، و به مثابه بسیاری از مورخان دوره های مختلف که اثر خود را به یکی از بزرگان و شاهزادگان اهدا می کردند، وی نیز تالیف خود را به پریخان خانم، دختر شاه طهماسب صفوی، هدیه نموده است.

عبدی بیک، از مورخان عمومی نگار دوره آغازین حکومت صفوی است، که با توجه به شرایط حاکم در این دوره، وی نیز به مثابه دیگر مورخین این عهد نظیر، حسن بیک روملو، صاحب احسن التواریخ، قاضی احمد غفاری قزوینی، نویسنده تاریخ جهان آرا، یحیی عبدالطیف قزوینی مولف لب التواریخ و بوداق منشی قزوینی صاحب جواهر الاخبار، در کتاب خود، یعنی تکمله الاخبار، رویکرد عمومی نگاری پیش گرفته، و حوادث عالم را از عصر آفرینش شروع، و به دوره خویش خاتمه می دهد، البته، این رویکرد از تاریخ نگاری، در عهد صفویان و بخصوص در کتاب عبدی بیک، به گونه ای تاریخ نگاری قدسی مبدل گردیده است، که از هبوط آدم شروع شده، و به سر منزل مقصود، یعنی ظهور یک منجی، که در زمان عبدی بیک، پادشاهی صفوی است، پایان می پذیرد، به طوری که وی در بخشهای مختلف کتاب خود با استفاده از آیات، احادیث و روایات، در پی اثبات نقش منجی گری برای پادشاهی صفوی، بوده و از این آیات و احادیث گونه ای مصادره به مطلوب در خصوص حوادث این عصر انجام می دهد.

در واقع با ظهور این فرهیختگان است که، دوره صفوی در مقایسه با دوره های دیگر، در زمینه تاریخ نگاری با رویکردهای مختلف، بویژه عمومی نگاری، از دوره های پویا و پربار به حساب می آید، زیرا که در مقام مقایسه، از لحاظ کمی، آثار متعددی در این دوره تالیف گردیده است، که برخی از آنها عبارتند از، حبيب السیر فی اخبار افراد بشر، فتوحات شاهی یا فتوحات امینی، لب التواریخ، احسن التواریخ، جهان آرا یا نسخ جهان آرا، جواهر الاخبار، خلاصه التواریخ، تکملة الاخبار، تاریخ حیدری یا مجمع التواریخ یا زبده التواریخ، تاریخ ملاکمال یا خلاصه التواریخ، زبده التواریخ محمد افضل حسینی، خلد برین، تاریخ سلطانی و برخی آثار دیگر.

تقی الدین کاشی در کتاب خلاصه الاشعار و زبده الافکار در مورد عبدی بیک می نویسد: «سالهای دراز مستوفی و اوارجه نویس دفتر خانه بود، و در زمان شاه غفران پناه ابوالبقا، شاه طهماسب، روح الله روحه، آن منصب به وی تعلق داشت، و در امانت و دیانت و راست قلمی - که لازم است ارباب قلم را - نظیر و عدیل نداشت و در مدت منصب در افاضت احسان و اذاعت انعام و استیفای مطامع نقوی و تحصیل مرضی خاطر به وجهی توجه می نمود، که زبان اهل روزگار به شکر آن الطاف و نیک نفسی شکر بار بود، و رقال ارباب قلم به حلق نعم او گرانبار، و با وجود این حالات، در وادی شعر و فضیلت از دیگران ممتاز و مستثنی است، و به صفای طبیعت و جودت قریحت و تزکیه نفس و تصفیه خاطر، مثل و مانند ندارد، و از اکثر سالکین مسالک سخنوری در پیش است، و از مثنوی گویان و معاصران زمان خود بیش»^۱.

عبدی بیک به غیر از حساب و مستوفی گری، از همان دوران جوانی در سرودن شعر، به خصوص

^۱ - تقی الدین کاشانی محمد بن علی، (۱۳۸۴) خلاصه الاشعار و زبده الافکار، محقق، عبدالعلی ادیب برومند، تهران: میراث مکتوب، ص ۳۴۹

در پرداختن به مثنوی‌ها و جواب گفتن خمسه نیز توانایی داشته و تخلص «نویدی و عبدی» را برای خود برگزیده، و در دوران حیات و بعد از آن وی به هر دو تخلص مشهور بوده است، وی دارای طبعی لطیف و روان بوده، که بخصوص در غزلها و مثنوی‌های وی بازتاب یافته است، همچنین از مطالب تکمله الاخبار بر می‌آید که این طبع شاعرانه در نوشتار کتاب اثر گذار بوده است، به گونه‌ای که فضایی ادبی را می‌توان در قالب کلی اثر احساس نمود، اگرچه همانگونه که آمد، عامل اصلی شهرت عبدی بیک نه در اشعار وی، بلکه در اثر تاریخ‌نگاری وی یعنی تکمله الاخبار می‌باشد.

از عبدی بیک، مجموع اشعاری در غالب مثنوی، نظیر روضه الصفات و صریح الملک، و در حدود ده هزار بیت، در غالب غزل برجای مانده است.

وی در کتاب صریح الملک، نام همه عمارات، ابنیه، مقابر، میادین اطراف مقبره شیخ صفی‌الدین اردبیلی و همچنین تمام املاک و اراضی و خانه و حمامها و دکانها و قناتها و هر چیز دیگری که از آغاز ظهور صفویه وقف مزار جد بزرگ ایشان یا اولاد وی شده بود را به تفصیل ذکر کرده است.^۱ همچنین در روضه الصفات، توصیف باغ سعادت آباد قزوین را ملاحظه می‌کنیم که، پس از انتقال پایتخت صفویان، از تبریز به این شهر، ساخته شده و شاه طهماسب و سایر بزرگان سیاسی و نظامی صفوی در آن، عمارات و کاخهایی را ایجاد کرده‌اند.

در کتاب زینه الاوراق نیز، به برخی ویژگی‌های معماری شهر قزوین پرداخته است، نکته قابل تامل اینکه، در واقع عبدی بیک یک شاعر مورخ است، و شعر را وسیله‌ای در خدمت بیان تاریخ قرار

۱- عبدی بیک شیرازی، صریح الملک، نسخه خطی کتابخانه ملی، شماره ۲۷۳۴

داده است، بر همین اساس، بسیاری از آثار وی را می‌توان، در حقیقت تکمله ای بر تکمله الاخبار دانست.

همچنین، بنابر گزارش سام میرزا، در تذکره تحفه سامی، عبدی بیک به پیروی از نظامی و امیر خسرو دهلوی و دیگر شاعران حکیم، شعر عرفانی هم سروده و از داستانهای عارفانه و عاشقانه برای بیان عقاید عرفانی خود بهره جسته است^۱، در مجموع تعداد ابیات سروده شده در کتابهای مختلف توسط عبدی بیک را، ۵۴۹۴۷ بیت دانسته‌اند.

ناگفته نماند که بیشتر این اشعار را عبدی بیک، به درخواست و دستور شاه طهماسب سروده و در همه جا به نیکی از پادشاه صفوی نام برده و از انعامات وی نیز در حق خود یاد نموده است. جالب توجه اینکه، بیشتر آثار و مجموعه‌های شعری او را، خاورشناسان شوروی سابق چاپ کرده‌اند، از آن جمله می‌توان به این موارد اشاره کرد، دوحه الازهار، مظهر الاسرار، جوهر فرد، آیین اسکندری، لیلی و مجنون، هفت اختر، جنه الاثمار، زینه الاوراق و صحیفه الاخلاص؛ البته عبدی بیک در متن تکمله الاخبار از کتابی دیگر از خود به نام مقدمه البیان نام می‌برد، ولی علی‌رغم جستجوهای صورت گرفته، به نظر می‌رسد از میان رفته است.

با توجه به مباحث فوق در خصوص طبع شاعری عبدی بیک، انتظار می‌رود که این استعداد و توانایی بر تاریخ نویسی وی اثر گذاشته و نثر او را به گونه ای نثر فنی و متکلف تبدیل نماید، ولی سبک نویسندگی وی در مقایسه با آثار تاریخ نگارانه دیگر این عصر، نظیر فتوحات شاهی و حبیب السیر، بسیار ساده، بدون آراستگی های منشیانه و مغلقانه، و بدور از تعقیدات لفظی است، که این

۱- سام میرزا صفوی، تذکره تحفه سامی، به تصحیح رکن الدین همایونفر، تهران، انتشارات علمی، ص ۱۸۸